





دانشگاه لرستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

یادکرد حسرت آمیز گذشته در شعر لکی،

با تأکید بر دیوان‌های چاپ شده

نگارش:

فرزاد حاجی پور شورابه

استاد راهنما:

دکتر علی نوری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

تابستان ۱۳۹۲

«باسمه تعالی»

## حق چاپ

همه‌ی امتیازات این پایان‌نامه به دانشگاه لرستان تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب در مجلات، سمینارها یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه لرستان (استاد یا اساتید راهنمای پایان‌نامه) و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.

تعمیر

# شاعران لک زبان

## پاسکزاری

حمد بی حد و ثنای بی عدد و پاس بی قیاس، خداوند بی ماندی را که قدرت کن هیکون دید با کفایت و حکمت لایتنابی و اراده خلل ناپذیر یکتایی اش قرار دارد. خالق بی مثل و مانند را بسی پاسکزارم که توفیق تحصیل علم به من ارزانی داشت و مراد تحریر این پایان نامه موفق گردانید.

از اساتید بزرگوار و نکته‌سج گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان، صمیمانه قدر دانی نموده، از نگاه حضرت احدیت برای آن عزیزان، عزت و سربلندی مسألت می‌نمایم؛ علی‌الخصوص استاد محترم راهنا جناب آقای دکتر علی نوری و نیز استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر علی عباس رضائی نورآبادی، که با شکیبایی اینجانب را در نگارش این پایان نامه یاری نمودند.

## چکیده

یادکرد حسرت آمیز گذشته (نوستالژی) اصطلاحی است که ابتدا در عالم روانپزشکی ابداع و پس از آن به تدریج در هنر و ادبیات به کار گرفته شد؛ در این پایان نامه آن را با عنوان غمیاد نام می‌بریم.

رویکرد نوستالژیک به گذشته‌ی تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی در شعر لکی نیز مانند بسیاری از شعرهای فارسی به شکل‌های غمیاد عزیزان و بزرگان از دست رفته و نیز شدت آسیب و صدمه‌ی مرگ، غمیاد آبادانی‌های گذشته، طبیعت بکر و مظاهر آن، غمیاد دوران کودکی، غمیاد زندگی صمیمی عشایری و اخلاق حسنه گذشتگان، غمیاد جوانی و شکوه از پیری، غمیاد آداب و رسوم، اسباب و اثاثیه و شوون ساده زندگی روستایی و غم غربت بیان شده با زبانی هنرمندانه و زیبا دیده می‌شود؛ به طور کلی غم و اندوه از شاخصه‌های اصلی شعر لکی به حساب می‌آید. از میان این گونه‌های عاطفی حسرت آمیز، بیش از همه غمیاد عزیزان و بزرگان از دست رفته و شدت آسیب و صدمه مرگ و نیز غمیاد مکان و آبادانی‌های گذشته‌ی روستا و طبیعت بکر و مظاهر آن در شعر این شاعران به کار رفته است. در این پایان نامه اشعار نوستالژیک شاعران لکی سُرّا بررسی و تحلیل شده است.

**کلید واژه‌ها:** یادکرد حسرت آمیز گذشته، شعر لکی.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
-	چکیده .....
۱	<b>فصل اول: کلیات تحقیق</b> .....
۲	۱- بیان مسأله .....
۳	۲- سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق .....
۳	۳- پیشینه‌ی تحقیق .....
۳	۴- ضرورت‌ها و اهداف تحقیق .....
۴	۵- روش تحقیق .....
۵	<b>فصل دوم: مقدمه و معرفی اجمالی زبان و ادبیات لکی</b> .....
۶	الف) مقدمه .....
۹	نوستالژی در شعر رودکی سمرقندی .....
۱۵	ب) معرفی اجمالی زبان و ادبیات لکی .....
۱۵	۱- قوم لک .....
۱۶	۲- زبان لکی .....
۱۹	۳- شعر لکی .....
۲۰	<b>فصل سوم: بررسی و تحلیل یاد‌کرد حسرت آمیز گذشته در شعر هشت شاعر لکی سُرأ....</b> .....
۲۱	۳- ۱- غلام‌رضا خان ارکوازی .....
۳۰	۳- ۲- عزیز بیرانوند .....
۳۸	۳- ۳- کرم دوستی .....

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶۱	۳-۴- ملاحقعلی سیاهپوش
۶۹	۳-۵- محمود قبادی
۷۹	۳-۶- ملامنوچهرخان کولیوند
۸۸	۳-۷- حجت الله مهدوی
۱۰۰	۳-۸- فیروز یوسفوند
۱۰۶	۳-۹- جدول تطبیق حروف یونانی و لاتینی با حروف فارسی
۱۰۷	۳-۱۰- نمودار بسامد یاد کرد حسرت آمیز گذشته به تفکیک جلوه‌های آن در شعر لکی
۱۰۸	<b>فصل چهارم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها</b>
۱۰۹	الف) نتیجه‌گیری
۱۱۰	ب) پیشنهادها
۱۱۱	<b>فرهنگ واژه‌ها</b>
۱۱۴	<b>فرهنگ بازی‌ها</b>
۱۱۵	<b>فرهنگ اعلام</b>
۱۱۸	<b>فهرست منابع و مآخذ</b>
۱۲۱	<b>ترجمه‌ی چکیده</b>
۱۲۲	<b>ترجمه‌ی حق چاپ</b>
۱۲۳	<b>ترجمه‌ی عنوان</b>



# فصل اول

## کلیات تحقیق

## ۱- بیان مسأله

بخش قابل توجهی از اشعار لکی حاوی یادکرد حسرت‌آمیز گذشته (اعم از گذشته‌ی تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی منطقه‌ی لک‌نشین لرستان، کرمانشاه، ایلام و همدان) و نیز غم دوری از وطن، غم از دست رفتن بزرگان و پهلوانان، یادکرد اخلاق حسنه‌ی گذشتگان، یاد آبادانی‌ها و رسوم گذشته و نیز یادکرد دوران جوانی است. در این پایان‌نامه اشعار حاوی مضامین یادکرد حسرت‌آمیز گذشته (نوستالژیک) از بین دیوان‌های چاپ شده شاعران لکی‌گوی بویژه با تأکید بر این آثار: ۱- دیوان ملاحقعلی سیاهپوش ۲- دیوان ملا منوچهرخان کولیوند ۳- دیوان غلام‌رضا خان ارکوازی ۴- دیوان محمود قبادی ۵- گلریزان، مجموعه اشعار لکی حجت‌الله مهدوی ۶- گرین غم، مجموعه اشعار عزیز بیرانوند ۷- هفت چشمه سلام، مجموعه اشعار فیروز یوسفوند ۸- پزاره، مجموعه اشعار کرم دوستی، انتخاب، بررسی و تحلیل شده است.

## ۲- سؤال‌های و فرضیه‌های تحقیق

### الف) سؤال‌های تحقیق

-سؤال اصلی: یادکرد حسرت‌آمیز گذشته در شعر شاعران لک چگونه تجلی یافته است؟

-سؤال فرعی: کدام شاعران بیشتر از دیگران به این مضامین روی آورده‌اند؟

### ب) فرضیه‌های تحقیق

- فرضیه‌ی اصلی: بخش قابل توجهی از شعر لکی به گونه‌ای متضمن یادکرد حسرت‌آمیز و نوستالژیک گذشته است؛ چنانکه گاه کل یک شعر از عنوان گرفته تا تمام ابیات، حاوی مضمون حسرت‌آمیز گذشته است و گاه شاعر در متن یک قصیده یا مثنوی ابیاتی حاوی مضامین حسرت‌آمیز

آورده است. از این مضامین در شعر لکی، یادکرد آداب و رسوم گذشته، اخلاق حسنه‌ی گذشتگان و نیز یادکرد دوران جوانی چشمگیرتر است.

- **فرضیه‌ی فرعی:** شاعران معاصر لکی‌سرا، بویژه آقایان کرم دوستی، حجت‌الله مهدوی، فیروز یوسفوند و محمود قبادی بیشتر از دیگران به این مضامین روی آورده‌اند.

### ۳- پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون در خصوص یادکرد حسرت‌آمیز گذشته (نوستالژی) در شعر و نثر معاصر تحقیقاتی انجام گرفته است؛ از جمله نوستالژی در شعر قیصر امین پور نوشته‌ی محسن میرصادقی، بررسی فرایند نوستالژی در اشعار اخوان ثالث نوشته‌ی مهدی شریفیان، تطبیق نوستالژی در اندیشه‌ی جبران و نیما، نوشته‌ی مهدی ممتحن، حسن مجیدی و سکینه صارمی گروهی و... ولی درباره‌ی غمیاد در شعر لرستان و شعر لکی هیچ پژوهشی انجام نگرفته است.

### ۴- ضرورت‌ها و اهداف تحقیق

ادبیات لکی در غرب ایران از کهن‌ترین ادبیات هنری حوزه ایران فرهنگی است. شناخت و شناساندن این ادبیات می‌تواند به توسعه‌ی فرهنگ و ادبیات ایران زمین کمک نماید. یکی از راه‌های شناخت این ادبیات کهن، بررسی و تحلیل مضامین اشعار شاعران مطرح لکی‌سراست. از این رو در پایان‌نامه‌ی حاضر، یادکرد حسرت‌آمیز گذشته را که در دیوان شاعران مورد نظر بسامد قابل توجهی دارد، بررسی و تحلیل شده است. امید است این کار ضمن کمک به تحقیقات دانشگاهی، باعث تشویق دیگر دانشجویان و پژوهشگران لک به شناساندن ادبیات لکی شود.

## ۵- روش تحقیق

- روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات

توصیفی - تحلیلی

- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

کتابخانه‌ای - فیش برداری

# فصل دوم

## مقدمه

### و معرفی اجمالی

### زبان و ادبیات لکی

## الف) مقدمه

اصطلاح یادکرد حسرت‌آمیز گذشته (نوستالژی<sup>۱</sup>) از ترکیب دو کلمه یونانی nostos به معنی بازگشت به خانه و algia به معنی درد ساخته شده و مجموعاً به معنای دلتنگی برای میهن، رنج فراغ و دوری از وطن به کار رفته است. (آریان‌پور، ۱۳۸۰، ج ۴: ۳۵۳۹) در زبان عربی با تعابیر حنین یا اغتراب از آن یاد می‌کنند. (آذرنوش، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

نوستالژی احساسی طبیعی است که در میان همه‌ی انسان‌ها وجود دارد و نمی‌توان پیشینه‌ی تاریخی روشنی برای آن یافت؛ چنانکه از زمانی که آدمی، خود را دور از وطن، خانواده و گذشته‌اش دیده، بر وجود او غلبه کرده است. مهاجرت، از دست دادن عزیزان، پیری، جنگ، تغییرات بی‌رویه در زمان و مکان و... از مهمترین عوامل ظهور و غلبه این احساس است. (ر.ک: شاملو، ۱۳۷۵: ۱۷) نخستین بار جوهانس (یوهانس) هوفر، پزشک سوئسی، در سال ۱۶۸۸ میلادی در مقاله‌ای که برای توصیف حالات روحی دو تن از بیماران منتشر کرد، این اصطلاح را به کار برد. هوفر علت اصلی ناراحتی آنان را تنها دور ماندن طولانی از وطن و خانواده تشخیص داد و اتفاقاً هر دو نفر پس از بازگشت به خانواده‌هایشان بهبود یافتند. پس از آن، موارد متعددی از این نوع اختلال نیز در میان نظامیان مشاهده شد. پزشکان دیگر نیز به تبع هوفر کوشیدند تا با یادآوری خاطرات خوشایند، این اختلال را درمان کنند. نوستالژی از دیدگاه آسیب‌شناسی روانی<sup>۲</sup> به خاطرات و رؤیاهایی اطلاق می‌شود که از دوران شادی، بی‌رنجی و آسوده‌دلی گذشته نشأت می‌گیرد و به روزگاری که دیگر وجود ندارد مربوط می‌شود. (شاملو، پیشین: ۱۷) رفتار نوستالژیک، واکنشی دفاعی نیز هست و طبیعی است که «وقتی افراد در زندگی‌شان با مشکلاتی روبرو

---

1 . Nostalgia

2 . Psychological pathology

می‌شوند یا به پیری می‌رسند راهی برای فرار از تنگناها و مشکلات می‌جویند یا آرزوی گذشته‌ای را می‌کنند که در آن زندگی پرشکوهی داشته‌اند» (شریفیان، ۱۳۸۷: ۲۷۰)

به عبارتی، می‌توان گفت «هرگاه فرد در ذهن خود به گذشته رجوع کند و با مرور آن دچار نوعی حالت غم و اندوه توأم با حالت لذت سکرآور شود، دچار نوستالژی شده که در زبان فارسی آن را غالباً غم غربت و حسرت گذشته تعبیر کرده‌اند» (انوشه، ۱۳۸۱: ۱۳۹) از مهمترین عوامل ایجاد نوستالژی، می‌توان به مرگ عزیزان، حبس و تبعید، حسرت بر گذشته توأم با شکایت از اوضاع زمانه، مهاجرت، یادآوری خاطرات کودکی و جوانی و غم و درد پیری و اندیشیدن به مرگ اشاره کرد. (ر.ک: شاملو، پیشین: ۱۱)

این اصطلاح، بتدریج از متون پزشکی محو و وارد دنیای ادبیات، فلسفه، تئاتر، سینما و موسیقی شد و به سبب تفاوتی که در زمینه‌های متفاوت یافت، در معنا نیز گسترش حاصل کرد و به معانی وسیع‌تری که البته همه کم و بیش حول مفهوم مرکزی دل‌تنگی و یادکرد حسرت‌آمیز از گذشته قرار دارند به کار رفت. البته پس از روانشناسی و روانپزشکی، ادبیات و هنر عرصه‌ی اصلی حضور نوستالژی شد و در آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان، از جمله پیروان مکاتب رمانتیسم، سمبولیسم، سوررئالیسم و رئالیسم جادویی کم و بیش جلوه‌هایی از آن ظهور یافت؛ بویژه در مکتب ادبی رمانتیک، تأثیر آشکار نهاد: «فرار به رؤیا، فرار به گذشته، به سرزمین‌های دوردست و به تخیل، از ویژگی‌های این مکتب است.» (سیدحسینی، ۱۳۸۱: ۱۶)؛ بویژه در «رمانتسیم رهایی‌طلب»، توجه ویژه به آرمانشهر جوامع کوچک مورد توجه است. (سه‌یر و لووی، ۱۳۷۳: ۱۶۰)

این اصطلاح در ادبیات و هنر، تفاوت‌های آشکاری با روانپزشکی و روانشناسی دارد؛ از جمله اینکه در روانپزشکی بیشتر عوارض جسمی و روحی آن مطرح است ولی در ادبیات، دو بعد عاطفی و زبانی

قضیه یعنی بیان حسرت آمیز و یادکرد غم آلود از زمانها، مکانها، اشیاء، خُلقیات، رفتارها و روابط گذشته مورد توجه است. به همین دلیل بیشتر جنبه‌ی ادبی و سبک‌شناسانه می‌یابد: «نوستالژی اما در ادبیات رفتاری است که معمولاً ناخودآگاه در شاعر و نویسنده بروز می‌کند و از همین رو اهمیتی سبک‌شناختی پیدا می‌کند». (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۳۶۹) به تعبیری، نوستالژی در ادبیات، به احساسات رمانتیک و غم دیر آمدن و دور ماندن اشاره دارد و توسعاً به معنای دلتنگی، حسرت زدگی، غم غربت (دوری از وطن، جدایی از یاران، دوری از گذشته‌ی تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و...) به کار می‌رود. فرهنگستان زبان و ادب فارسی تاکنون معادلی برای واژه نوستالژی انتخاب ننموده است؛ بر این اساس اصطلاح غمیاد به عنوان معادل این تعبیر پیشنهاد می‌گردد، لذا در این پایان‌نامه از آن با این عنوان نام برده می‌شود.

از مهم‌ترین آثاری که کم و بیش، جلوه‌گاه توصیفات، تعبیر و مفاهیم نوستالژیک واقع شده‌اند می‌توان در بیرون از ایران به شعرهای کسانی چون نووالیس، ویلیام بلیک، کالریج، وردزورث، هرذر و دیگران و داستان‌هایی چون «شرح حال خودنوشت» از ژان ژاک روسو، «کلبه‌ی هندی» و «پل و ویرژینی» از برناردن دو سن پی‌یر، (جعفری، ۱۳۷۸: ۹۹-۹۰)، «در جستجوی زمان از دست رفته» از مارسل پروست، «جهالت» از میلان کوندرا و نیز نمایشنامه «در انتظار گودو» از ساموئل بکت و فیلم «نوستالژی» اثر آندری تارکوفسکی؛ و در ایران به آثاری چون «سرگذشت کندوها» و «نفرین زمین» نوشته‌ی جلال آل احمد، «شریفجان، شریفجان» نوشته‌ی تقی مدرس، «سووشون» نوشته‌ی سیمین دانشور، «نورآباد، دهکده‌ی من» اثر ناصر ایرانی، «کلیدر»، «باشیرو» و «از خم چنبر» از محمود دولت‌آبادی، «سالهای ابری» نوشته‌ی علی اشرف درویشیان، «اهل غرق» نوشته‌ی منیرو روانی‌پور، «دل دلدادگی» اثر شهریار مندنی‌پور، «سرزمین نوچ» از کیوان ازرقی، «تریو تهران» نوشته‌ی رضیه انصاری و جز آن اشاره کرد (ر.ک: میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۲۵-۵۰۸ و تسلیمی، ۱۳۸۳: ۷۸-۱۵۱). هرچند باید یادآوری و بلکه تأکید کرد که پیشینه‌ی تجلی یادکرد حسرت آمیز از گذشته، به روزگاران کهن برمی‌گردد و در اساطیر و حماسه‌های ملل، نمونه‌هایی از کاربرد غمیاد دیده



می‌شود؛ مانند آنچه در خصوص حسرت آدم بر هبوط او از بهشت یا درباره‌ی آرمانشهر آورده‌اند. در یکی از اساطیر سومری با تعبیر و توصیفات غمیادوار از سرزمینی موسوم به «دیلمون» (Dilmun)، یاد شده است: «سرزمین دیلمون/ جایی پاک است، سرزمین دیلمون جایی/ روشن است./ در دیلمون غراب فریادی سر نمی‌داد،/ غلیواژ، فریاد غلیواژی سر نمی‌داد،/ شیر نمی‌کشت،/ گرگ بره را در نمی‌ربود، ...» (هادی، ۱۳۷۹: ۲۸۷)

در این پایان‌نامه، رویکرد نوستالژیک به گذشته‌ی جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی در شعر لکی بررسی می‌شود. اگر شعر را به تعبیر استاد شفیع کدکنی گره خوردگی عاطفه و تخیل بدانیم که در زبانی آهنگین شکل گرفته است، در شعر شاعران لکی سُرّانمونه‌های زیبایی از عاطفه شاعرانه که در این مقاله از آن به غمیاد تعبیر شده به شکل‌های غمیاد اخلاق حسنه‌ی گذشتگان، یادکرد مرگ، دوران کودکی، یادکرد آبادانی‌های گذشته، و نیز یادکرد آداب و رسوم و اسباب و اثاثیه ساده زندگی گذشتگان، بیان شده، با زبانی هنرمندانه و زیبا در فرم و قالب سنتی عرضه شده است. بدین منظور، این موضوع در چند مقوله، جداگانه بررسی و ارزیابی شده است. از مهمترین این مقوله‌ها می‌توان به غمیاد عزیزان و بزرگان از دست رفته و نیز شدت آسیب و صدمه‌ی مرگ، غمیاد آبادانی‌های گذشته، طبیعت بکر و مظاهر آن، غمیاد جوانی و شکوه از پیری، غم غربت، غمیاد زندگی صمیمی عشایری و اخلاق حسنه‌ی گذشتگان، غمیاد دوران کودکی و غمیاد آداب و رسوم، اسباب و اثاثیه و شؤون ساده زندگی روستایی اشاره کرد.

در ادامه این مقدمه، اجمالاً جلوه‌های نوستالژی در دیوان رودکی پدر شعر فارسی بررسی شده است:

### نوستالژی در شعر رودکی سمرقندی

آنچه هنگام مطالعه دیوان رودکی به چشم می‌خورد و باید آن را روش رودکی در پیام‌رسانی بنامیم استفاده از مفاهیم و مباحث نوستالژیکِ تاثیرگذار است که خواننده را بیش از پیش به حال و هوای

فکری و فضای اندیشه شاعر نزدیک می‌سازد. از آنجا که نوستالژی در ادبیات، رفتاری است که معمولاً ناخودآگاه در شاعر یا نویسنده بروز کرده، متجلی می‌شود و از همین رو اهمیتی سبک‌شناختی پیدا می‌کند؛ لذا برای روشن شدن هرچه بهتر این مفاهیم، اجمالاً طی سرفصل‌هایی در ضمن اشعار بلند و ارجمند رودکی که در نگاه اندیشمندان بزرگ ادب فارسی منتهای چیرگی و فخامت در کلام را می‌نمایاند (ر.ک: نفیسی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۰) به این موارد خواهیم پرداخت.

### انواع مفاهیم نوستالژیک شعر رودکی بر اساس تقدیم و تأخر زمانی:

در تقسیم‌بندی مفاهیم نوستالژیک دیوان رودکی می‌توان دو عنوان کلی گذشته‌گرا و آینده‌گرا را مطرح نمود. گذشته‌گرایی در این نوع مفاهیم خواننده را با اتفاقاتی که در گذشته دور یا نزدیک برای شاعر رخ داده آشنا خواهد ساخت؛ و مفاهیم نوستالژیک آینده‌گرا نیز آرزوهای دست نیافتنی شاعر را شکل می‌بخشد. حضور در مکانی که شاید هرگز امکان‌پذیر نباشد و یا دیدار با شخصی که ممکن است هیچ‌گاه اتفاق نیفتد در این دسته‌بندی مفهومی قرار می‌گیرد. از نمونه‌های نوستالژیک گذشته‌گرا قصیده گران‌سنگ بوی جوی مولیان است که با استادی بر زبان رودکی جاری می‌شود.

امیر سامانی که به خاطر طراوت و خوشی مکان، حاضر به بازگشت به شهر و دیار و مقرر حکومت نیست با سحر کلام شاعر - که در لایه‌های اعجاز‌گون خود یاد یار و دیار را در اذهان زنده می‌کند - چنان منفعل می‌گردد که از تخت فرود آمده، بی‌موزه پای در رکاب خنگ نوبتی می‌آورد و روی به بخارا می‌نهد چنان‌که رانین و موزه تا دو فرسنگ در پی امیر می‌برند به برونه و آنجا پای در رکاب می‌کند. (معین، ۱۳۸۵: ۵۳)

آب جیحون از نشاط روی دوست	خنگ ما را تا میان آید همی
ای بخارا شاد باش و دیر زی	میرزی تو شادمان آید همی

(رودکی، ۱۳۸۲: ۴۳)

در همه‌ی ابیات این شعر نشانه‌های مفاهیم نوستالژیک گذشته گرا از نوع دور مشاهده می‌شود. مثال دیگر را در قصیده دندانیه می‌توان دید، در این قصیده نیز شاعر از گذشته‌های دوری سخن می‌گوید که اکنون هیچ اثری از آنها نیست و تنها خاطره‌ای از آن همه خوشی و زیبایی به جای مانده است. در این قصیده تصاویر غمباری در برابر دیدگان خواننده ترسیم می‌شود که بیانگر حسرت بر دوران خوش گذشته است.

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود      نبود دندان لا، بل چراغ تابان بود

سپید سیم رده بود و دُرّ و مرجان بود      ستاره سحری بود و قطره باران بود

یکی نماند کنون زان همه بسود و بریخت      چه نحس بود همانا که نحس کیوان بود

نه نحس کیوان بود ونه روزگار دراز      چه بود منت بگویم قضای کیوان بود

(همان: ۲۲)

در بررسی اشعار بازمانده از رودکی کمتر به نمودهای مفاهیم نوستالژیک آینده گرا برخورد می‌کنیم. به بیان دیگر وی بیشتر به یادکرد روزگاران دور و نزدیکی می‌پردازد که پشت سر نهاده و یا حسرت بر آینده‌ای که ممکن است هرگز به تماشا ننشیند. لازم به یادآوری است که در برخی از تغزل‌های وی اوج هنرنمایی شاعرانه در دعوت به شادباشی و حتی گاه دعا جهت تأیید ممدوح نیز وجود دارد.

دیر زیاد آن بزرگوار خداوند      جان گرامی به جانش اندر پیوند

دایم به جان او بلرزم زیراک      مادرآزادگان کم آرد فرزند

از ملکان کس چنو نبود جوانی      راد و سخندان و شیرمرد و خردمند

(همان: ۱۹)

### انواع مفاهیم نوستالژیک شعر رودکی از منظر تعداد

بر اساس دیدگاه بالا، دو زیرمجموعه فردی و جمعی شکل می‌گیرد که قصیده یا هر نوع قالب

دیگر را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از منظر جمعی، آنچه بر زبان شاعر می‌آید غصه‌ها و دردهایی است

که خاطر مردم منطقه‌ای را آزرده و ایشان را در حقیقتی ناگوار مشترک ساخته است به طوری که یاد کرد آن از زبان شاعر دردی همگانی را در اذهان زنده می‌کند. یکی از مفاهیم غمبار مشترک، که در حوزه جمعی قرار می‌گیرد مرگ بزرگان معاصر شاعر است که در مواقعی به نام خوانده می‌شوند و گاهی نیز به طور کلی از آنها یاد می‌شود.

مهران جهان همه مردند	مرگ را سر همه فرو کردند
زیر خاک اندرون شدند آنان	که همه کوشک‌ها بر آوردند
از هزاران هزار نعمت و ناز	نه به آخر بجز کفن بردند؟
بود از نعمت آنچه پوشیدند	وانچه دادند وان کجا خوردند

(همان: ۲۱)

نمونه جمعی دیگر، قصیده بوی جوی مولیان است که شاعر حسرت مشترک درباریان و هم رتبه‌گان را بر زبان جاری می‌سازد. افرادی که آرزوی بازگشت به دیار و دیدار فرزندان دارند و تنها قدرت قلم و قریحه شاعری رودکی است که یاری‌رسان ایشان در این بازگشت است.

در کنار این نوع از مفاهیم صورت دیگری شکل می‌گیرد که آن را در زمره مفاهیم نوستالژیک فردی قرار خواهیم داد. در این گروه، اشعاری جای می‌گیرد که بیانگر اندوه فردی و شخصی نویسنده یا شاعر است؛ به بیان دیگر شاعر در شکل‌دهی این دسته از گفتارهای منظوم خود، دیگران را در هیچ غمی با خود همراه نمی‌سازد.

نمونه‌ای از این اشعار را در سوگ سروده‌ای که بر شهید بلخی سروده، می‌خوانیم.

کاروان شهید رفت از پیش	وان ما رفته گیر و می‌اندیش
از شمار دو چشم یک تن کم	وز شمار خرد هزاران بیش

(همان: ۳۰)